

بخش یابانی

تناقض دکترین نظامی جدید آمریکا با تعهدات بوش

منبع: سایت اینترنتی «فارن پالیسی این فوکوس» - ترجمه: فاطمه موقوف نژاد

«نمایش قصد و توانایی ایالات متحده برای به کار گیری سلاح های اتمی در جهت منافع به کارگیری سلاح های کشتار جمعی از سوی دشمن» دکترین قبلی در سال ۱۹۹۵ در مورد سناریوهای ویژه ای که ایالات متحده باید در آنها از سلاح های هسته ای برای بازدارندگی استفاده کند، توضیحی نمی داد اما دکترین جدید سیاست پیشگیرانه دولت بوش در درون دکترین هسته ای رسمی ایالات متحده محفوظ می دارد و ادعای می کند که «جنگ افروزی که استفاده از ابزار هسته ای را آغاز می کند، احتمالاً خود را هدف سرزنش جهانی قرار می دهد» اما می افزاید: هیچ عرف و یا قانون کنسوانسیون بین المللی، ملت ها را از به کارگیری سلاح های هسته ای درگیری های مسلحانه منع نکرده است. در عبارت دیگر، به نظر می رسد پنتاگون نتیجه گیری می کند که ایالات متحده به مقدار زیاد و به شکلی قانونی در به کار گیری سلاح های هسته ای پیشگیرانه آزاد است. البته اگر بخواهد.

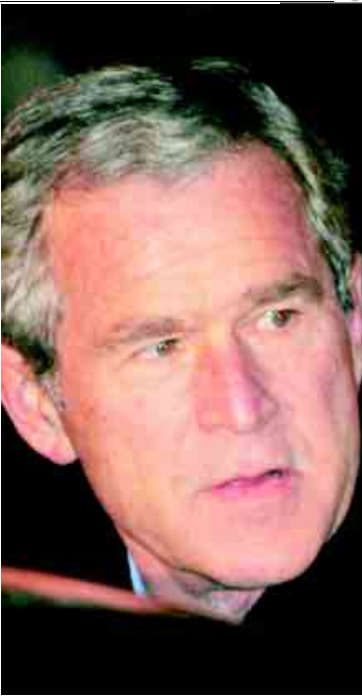
یابانی بر غیر استراتژیک بودن

انتخاب راه پیشگیرانه در فصل میدان عملیات هسته ای گنجانده شده است، که به شکلی سنتی با سلاح های هسته ای غیر استراتژیک (با برد کوتاه) در کنار هم قرار می گیرند. دکترین ۱۹۹۵ توضیح می دهد که هدف از مأموریت میدانی (محلی یا منطقه ای) با سلاح های هسته ای غیر استراتژیک، کنترل گسترش از طریق افروزدن سلاح های متعارف با توانایی کامل تلافی جوانه هسته ای ایالات متحده است. بر عکس سلاح های غیر استراتژیک به گونه ای تاریخی شامل سلاح های با برد قاره میا بوده اند.

انتخاب راه پیشگیرانه در فصل میدان عملیات هسته ای گنجانده شده است، که به شکلی سنتی با سلاح های هسته ای غیر استراتژیک (با برد کوتاه) در کنار هم قرار می گیرند. دکترین ۱۹۹۵ توضیح می دهد که هدف از مأموریت میدانی (محلی یا منطقه ای) با سلاح های هسته ای غیر استراتژیک، کنترل گسترش از طریق افروزدن سلاح های متعارف با توانایی کامل تلافی جوانه هسته ای ایالات متحده است. بر عکس سلاح های غیر استراتژیک به گونه ای تاریخی شامل سلاح های با برد قاره میا بوده اند.

تفکیک اینها همواره چیزی نامشخص بوده است، اما دکترین جدید از جداسازی نقش میدانی سلاح های هسته ای غیر استراتژیک فاصله گرفته است. در عوض به همه سلاح های هسته ای امع از استراتژیک با غیر استراتژیک، نقش حمایتی در میدان عملیات هسته ای بخشیده است. جزئیات مأموریت میدانی در فصل تاکتیک ها، تکنیک ها و روند مشترک برای برنامه های هسته ای میدانی مشخص خواهد شد، که یک برنامه دکترین فرعی مجزانه است و توسط پنتاگون مدنی پس از انتشار دکترین اقدامات هسته ای مشترک، منتشر شد.

نقش نظامی سال ها بر این عقیده بوده اند که سلاح های هسته ای غیر استراتژیک وجود ندارد، به همه سلاح های هسته ای عصر پس از دوران جنگ سرد باید عنوان



استراتژی هدف گیری برای مقابله به مثل، انهدام یا خنثی سازی تأسیسات نیروی نظامی و تأسیسات مربوط به نیروی نظامی دشمن نظیر صنایع، منابع و یا نهادهای سهامی در توانایی دشمن برای برپایی جنگ را مورد نظر قرار می دهد

میان ما با ضرباتی با برد وسیع تر در مورد ارتباطی فوری مجهز خواهد کرد، اما این وجود، هم زمان، سند هشدار می دهد که وقتی پاسخ مناسب، کاربرد سلاح های ایالات متحده را ایجاد می کند، در آن صورت، برخی اقدامات مسلحانه همچنان پابرجا خواهند ماند. هدف همچنان حصول اطمینان از انهدام تأسیسات است، بنابراین روشن است که باید توان سلاح های متعارف، قبل از اینکه در طرح های جنگی جایگزین سلاح های هسته ای شود، به طور مشخص افزایش یابد. هدف از این اقدامات آنست که تأثیر اندکی برای تولید مرور وضعیت هسته ای از طرف ما در واقع تأمین شده است. پنتاگون در ماه آوریل یک گروه ضربت با هدف انجام سلاح های هسته ای با سلاح های متعارف، و دفاعی ایجاد کرد. چهار سال نیم پس از اینکه دولت بوش «تحول اصلی» خود را اعلام کرد، ادغام سلاح های متعارف در بهترین حالت، یک مسأله فرعی به نظر می رسد.

بزرگترین دشمنی در منابع عبارت باشد از ایجاد دقت لازم به دورن کن سه رکن موشک بالستیک، قدرت انفجار سلاح های متعارف همچینست در طولاتی حتی از کوچکترین کلاهک هسته ای موجود در انبار کمتر است بنابراین چیزی بیش از ایجاد دقت لازم است. ژنرال جیمز کارترایت از پنتاگون در ماه آوریل ۲۰۰۵ گفت: «من نمی توانم به اندازه کافی انرژی (انرژیهای سنتی) برای برخی از این اهداف تولید کنم تا آنها منهدم شوند. بنابراین نمی گویم که می توان از سلاح های هسته ای خلاص شد، همچنین یک سند در مورد نظرات و کنترل سلاح های سنتی استراتژیکی وجود دارد. خط مشی نظارت بر حمله های ضربتی هسته ای در طول دهه ها بتدریج شکل گرفته، اما کارکردن در مورد استفاده از سلاح غیر اتمی در حمله های ضربتی استراتژیک علیه تأسیسات سلاح های هسته ای دشمن چگونه است؟ نیروی هوایی که اجرای سند کنترل موشک های بالستیک و بمب ها را بر عهده دارد، خاطر نشان می کند که در بازنگری دکترین، بر ضرورت تأیید همه اهداف هسته ای از سوی رئیس جمهور و معاونت دفاع، تأکید شده است اما اهداف سنتی شامل این تأیید نمی شوند. احتمالاً دولت بوش قصد خواهد کرد این خلأ را برای اطمینان صد در صد از کنترل طرح های ضربتی و اطمینان از اینکه این امر سبب سوء تعبیر از سوی دیگر نیروهای هسته ای نشود، پر کند.

نکته یابانی با همه اندازه مهم آن است که، کار گذاشتن کلاهک های هسته ای در سنتی بر روی موشک های بالستیک با روی سکوهای استراتژیک، تأثیر جدی در یابنداری بحران ها دارند. دولت صاحب سلاح هسته ای که در آغاز توسط سلاح هسته ای مسلح به سلاح های متعارف موشک بالستیک، مورد حمله قرار می گیرد، احتمالاً خیلی زود به این نتیجه می رسد که هدف حمله هسته ای قرار خواهد گرفت و در نتیجه از سلاح هسته ای خود استفاده خواهد کرد. به نظر می رسد در هم آمیختن نیروی سلاح های هسته ای و سلاح های سنتی به فاجعه خواهد شد.

دفاع موشکی

رکن آن پی آر ۲۰۱ عبارت بود از دفاع فعال در طراحی استراتژیکی و موشک های مأموریت جدید در دکترین جدید. دکترین سال ۱۹۹۵ مهم دفاع استراتژیکی را مشخص می کرد، اما این امر در دکترین جدید بسط داده شده است. دکترین جدید به جای توضیح در مورد این که چگونه دفاع موشکی می تواند مردم را از حملات موشکی در امان بدارد، روی این متمرکز می شود که چگونه دفاع موشکی می تواند قدرت مقاومت نیروهای هسته ای را افزایش دهد و توانایی تهاجمی را بالا ببرد.

چنانچه دولت بوش حفاظت از مردم را دلیل کناره گیری از پیمان منع

موشک های بالستیک (آی بی ام) و بودجه میلیارد دلاری دولت برای برنامه دفاع موشکی ذکر نمی کرد، شاید تمرکز روی حفاظت از نیروی هسته ای به جای حفاظت از مردم، خودخواهانه به نظر نمی رسد. برزیدنت جورج دبلیو بوش در دسامبر ۲۰۰۱ هنگامی که برنامه کناره گیری از آی بی ام تدارک دیده می شد، اظهار داشت: «من به این نتیجه رسیدم که پیمان آی بی ام مانع به کار گیری قدرت حکومت ما برای گسترش راه های حفاظت از مردم در مقابل تروریست ها با حملات موشکی محور شرارت در آینده است... دفاع از مردم آمریکا بزرگترین اولویت من به عنوان رئیس دولت است و من نمی توانم و نمی خواهم اجازه دهم ایالات متحده عضو پیمانی باشد که مانع ما در دفاع مؤثر باشد.»

در یک تناقض بزرگ با اولویت رئیس جمهور، دکترین جدید توضیح می دهد که دفاع موشکی وسیله ای است برای حفاظت از نیروهای نظامی. دکترین تنها سه بار به امر حفاظت از مردم می پردازد و آن را در درجه دوم اهمیت و پس از حفاظت از نیروهای مسلح قرار می دهد.

به علاوه، دکترین می گوید یک هدف حفاظت از نیروهای نظامی، افزایش سطح قدرت ضربت به های تهاجمی هسته ای است. طرح STRATCOM در جست و جوی حملات تهاجمی ایالات متحده و نیروهای تهاجمی و دفاعی هم پیمانانش است که همانگونه که دکترین توضیح می دهد، «از همه ویژگی های ارانه شده توسط نیروهای هسته ای استراتژیک ایالات متحده برای پشتیبانی از اهداف بازدارندگی ملی و منطقه ای بهره گیری شود.»

در یک سناریوی عملیاتی، قدرت دفاعی موشکی محدود یا ناقص، دکترین ایالات متحده را مجبور خواهد کرد تا میان نجات لوس آنجلس یا پایگاه هوایی وندربریگ، یکی را انتخاب کند.

اهداف هسته ای و قانون بین الملل

تعمیق تهدید دکترین هسته ای جدید در مقابل هدف گیری منطقه ای در فراسوی تأسیسات هسته ای، و کاستن از موانع برای به کارگیری سلاح های هسته ای حتی در موارد بازدارندگی، سؤالات مهمی درباره هدف گیری هسته ای و قانون بین المللی به وجود می آورد. در طول روند تصحیح دکترین هسته ای جدید، بحث هایی بر گرفت در مورد این که کدام حالت برای هدف گیری های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. ویژه ترین مورد، هدف گیری قانونی برای مقابله به مثل بود، مدولوی هدف گیری که در دکترین هسته ای ۱۹۹۵ آمده بود:

استراتژی هدف گیری برای مقابله به مثل، انهدام یا خنثی سازی تأسیسات نظامی و تأسیسات مربوط به نیروی نظامی دشمن نظیر صنایع، منابع و یا نهادهای سهامی در توانایی دشمن برای برپایی جنگ را مورد نظر قرار می دهد. به طور کلی، ضرورت ندارد که سلاح های لازم برای اجرای این استراتژی، مانند سلاح های لازم برای استراتژی هدف گیری نیروی نظامی متقابل، به تعداد زیاد و با دقت باشند، زیرا اهداف برای مقابله به مثل معمولاً در مقیاس با اهداف نیروی نظامی متقابل، سبک تر و بی دفاع تر هستند.

در طول بازنگری دکترین جدید، STRATCOM هدف گیری برای مقابله به مثل، انهدام یا خنثی سازی تأسیسات نظامی و تأسیسات مربوط به نیروی نظامی دشمن نظیر صنایع، منابع و یا نهادهای سهامی در توانایی دشمن برای برپایی جنگ را مورد نظر قرار می دهد. به طور کلی، ضرورت ندارد که سلاح های لازم برای اجرای این استراتژی، مانند سلاح های لازم برای استراتژی هدف گیری نیروی نظامی متقابل، به تعداد زیاد و با دقت باشند، زیرا اهداف برای مقابله به مثل معمولاً در مقیاس با اهداف نیروی نظامی متقابل، سبک تر و بی دفاع تر هستند.

در طول بازنگری دکترین جدید، STRATCOM اعلام کرد که «هدف گیری برای مقابله به مثل، ناقص قاون جنگ مسلحانه است. بنابراین هیأت نظارت پیشنهادهای نظامی به مثل «هدف گیری تأسیسات زیر بنیایی حساس» را می دهد. STRATCOM در توضیح این تصمیم می گوید:

سبب از نمایندگان قانون اعتماد دارنده که هدف گیری برای مقابله به مثل یک دلیل موجه قانونی برای استفاده از نیروی نظامی نیست چه رسد به استفاده از نیروی هسته ای، فلسفه مقابله به مثل تفاوتی میان فعالیت های صرفاً غیر نظامی و فعالیت های مرتبط با نیروی نظامی قائل نیست و می تواند به عنوان بخشی از حمله به نظر نمایان و بخشی های غیر نظامی اقتصادی یک ملت باشد. بنابراین نمی تواند به فصل ضرورت نظامی و در قانون جنگ مسلحانه مطابقت داشته باشد. هدف گیری برای مقابله به مثل همچنین یکی از از اهدافی که شالوده قانون جنگ مسلحانه استراست می کند و آن عبارت است از کاهش رنج جنگ نظامی و افزایش توانایی حفظ صلح پس از پایان درگیری، به عنوان مثال، از نظر فلسفه مقابله به مثل، حمله یازده سپتامبر به برج های مرکز تجارت جهانی می تواند دلیل قابل قبولی باشد.

دیگر نظرات نظامی با چنین تفسیری موافق بودند. بنظر ناظر اروپایی آن بود که عبارت مقابله به مثل نباید تبدیل به عبارت تأسیسات زیربنایی حساس شود، زیرا مقابله به مثل یک مفهوم نهاده شده و وسیله قابل درک در ادبیات کلامیک و ابزار جنگی هسته ای و به طور کلی در مطالعات امنیتی بین المللی است. ناظران اروپایی عقیده داشتند که اگر یکی وجود داشته باشد معنی مقابله به مثل در اینترنات جست و جوی شود، خواهیم دید که معانی جدیدی برای آن وجود خواهد آمد که مستقیماً به سیاست گذاری هسته ای مربوط می شوند.

در پایان، ناظران نتوانستند توافق کنند که عبارت هدف گیری تأسیسات حساسی» پس گرفته شد، اما عبارت مقابله به مثل نیز برانته شد و دیگر در دکترین هسته ای جدید به کار نرفت. اعلامیه مسکوت دانه در گره موضوع هدف گیری مبتدل شد، اما تغییر واژه ها، تغییر محسوس در هدف گیری غیر قانونی به وجود نیاورد.

انصاف، دکترین جدید هسته ای بر اثر اجزای ایالات متحده از ابزار جنگی نامحدود و تبعیت ایالات متحده از قوانین جنگ، تأکید دارد. اما اگر عبارت از اهمیت دادن به قانون بین المللی است، دکترین به شکل زاین کنه را از نظر دور می دارد که داد گاه بین المللی (آی سی جی) در حکم خود در سال ۱۹۹۶ در مورد مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح های هسته ای توانست به توافق نامه ای مبنی بر مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته ای حتی در شرایط بحران دفاع از خود، که حیات یک کشور در خطر باشد، دست یابد. دادگاه بین المللی به اتفاق آراء این داد که قانون بین المللی اجازه عقوبت تهدید یا سلاح های هسته ای را نمی دهد. این تفاوت برای مهم در دکترین جدید نایده گرفته شده است.

نتیجه گیری

گرچه بحث های گسترده ای در محافل عمومی در مورد این که آیا سلاح های هسته ای جدید ساخته شود و یا این سلاح ها تبدیل گردد، در گرفته است، اما هیچ بحث اساسی درباره دکترینی که الگویی برای استفاده از سلاح های هسته ای باشد و برینزهای آینده تأثیر نگذارد، صورت نگرفته است. نکته عجیب، علاوه قابل توجهی است که به سیاست گذاری دولت بوش بر حمله پیشگیرانه ایز شده است و نتیجه آن که، باز نویسی دکترین هسته ای اساساً بدون بحث های علمی انجام گرفت.

با این وجود، دکترین و اسناد تکمیلی آن تضاد قابل توجهی را میان سخن پردازانی دولت بوش در مجامع عمومی درباره کاهش نقش سلاح های اتمی و اعلامیه های اهربردی طرح های هسته ای به وجود آورده است. گرچه شمار کل کلاهک ها کاهش یافته، اما طرح های اهربردی دکترین جدید تأکید بر حفظ وضعیت تهاجمی باقیمانده آنها آماده های کامل نیرو هسته ای برای به کار گیری در سناریوهای فرایند حملات ضربتی محدود علیه دشمن در هر کنایه حتی در موارد پیشگیرانه است. به نظر می رسد که مردم جهان نظامی مبنی بر این که بازدارندگی شکست خواهد خورد و سلاح های هسته ای ایالات متحده دیر با زود در یک درگیری به کار گرفته خواهد شد، دکترین جدید را به پیش می برد.

برای طراحان هسته ای، مسأله بسیار ساده و عبارت است از این که بازدارندگی باید پذیرفته شود و تنها راه آن نیز عبارت از افزایش توانایی ها و شمار راه های مختلف برای حملات ضربه ای علیه هر سناریوی قابل تصور است. پس از گذشت یک دهه و نیم که همه باید از منطبق بازدارندگی هسته ای مربوط به زمان حسد فراری باشند، اما طراحان به طور جدید بسط داده شده است.

به نظر می رسد وحشت از گسترش سلاح های کشتار جمعی و تروریسم، دولت بوش را واداشته است به جای کاهش چشمگیر نقش سلاح های اتمی، همانگونه که در مجامع عمومی قول داده بود، به ادامه و تسلیح برخی از جنبه های در دسترس تری از نگرش جنگ طلبانه هسته ای که نشانه دوران جنگ سرد بود، بپردازد.

<p>ترجم</p> <p>بازگشت همه به سوی خداست</p> <p>با کمال تأسف و تالم درگذشت خانم غفت السادات میرهادی فرزند سید محمد میرهادی (مترجم الفول) مداری مهربان و همسر فداکار مرحوم سید محمد میرهادی در خارج از کشور را به اطلاع دوستان و آشنایان می رساند. مجلس ختم آن فقید سعیده روز سه شنبه ۱۳۹۱/۸/۲۹ ساعت ۱۵:۳۰ در مسجد واقع در خیابان ولی عصر (عج) بین دکتر بهشتی و استاد مطهری، جنب شرکت مخابرات، کوی پیمارسازان منعقد می گردد.</p> <p>فرزندان: سید عباسعلی، حوریه، کورش، بهار</p> <p>برادر: امیر محسن میرهادی</p> <p>خواهر: فخرالسادات مترجم علم</p> <p>خانواده های: میرهادی، نجم آبادی، اشراقی، حکیم پور، عزیز، شکیبا، مشکین، راشدنیا، فاتح نژاد، شریزاد، شهیدی، دوایی، چایچی، کاظمی، میر اشرفی، کریمی، حساسی، جنبانی، مشیری، قیومی، نظری و سایر و اہلبستگان تفرشی</p>	<p>تسلیت</p> <p>جناب آقای دکتر محمود هاشمیان</p> <p>و جناب آقای مهندس محمدرضا آشتیانی</p> <p>مصیبت وارده را به مناسبت فوت والده محترمه جناب آقای دکتر هاشمیان به خانواده محترم تسلیت عرض نموده، بقیای عمر یازماندگان را از خداوند متعال خوستارم.</p> <p>دکتر جلال شکوهی</p> <p>مرکز تصویر برداری جام جم تهران</p> <p>جناب آقای محسن اورنگ</p> <p>با نهایت تأثر و تالم مصیبت وارده را به شما خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم رحمت بیکران و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت دارم.</p> <p>شرکت دنیای شیمی - مشاوران آیت - شرکت کارون دزدشت</p>
--	---

مرکز پذیرش آگهی های ترجم و تسلیت در روزنامه ایران

تلفن: ۰۲۷ - ۸۸۷۳۸۸۲۰، فامیل: ۸۸۷۳۶۰۰۱

خیابان شهید فندی (پلیزی سابق)، کوچه هشتم، شماره ۴

ایران پارس

پذیرش آگهی

تلفن: ۸۸۷۳۶۵۹۰

تلفن: ۸۸۷۳۶۹۶۸